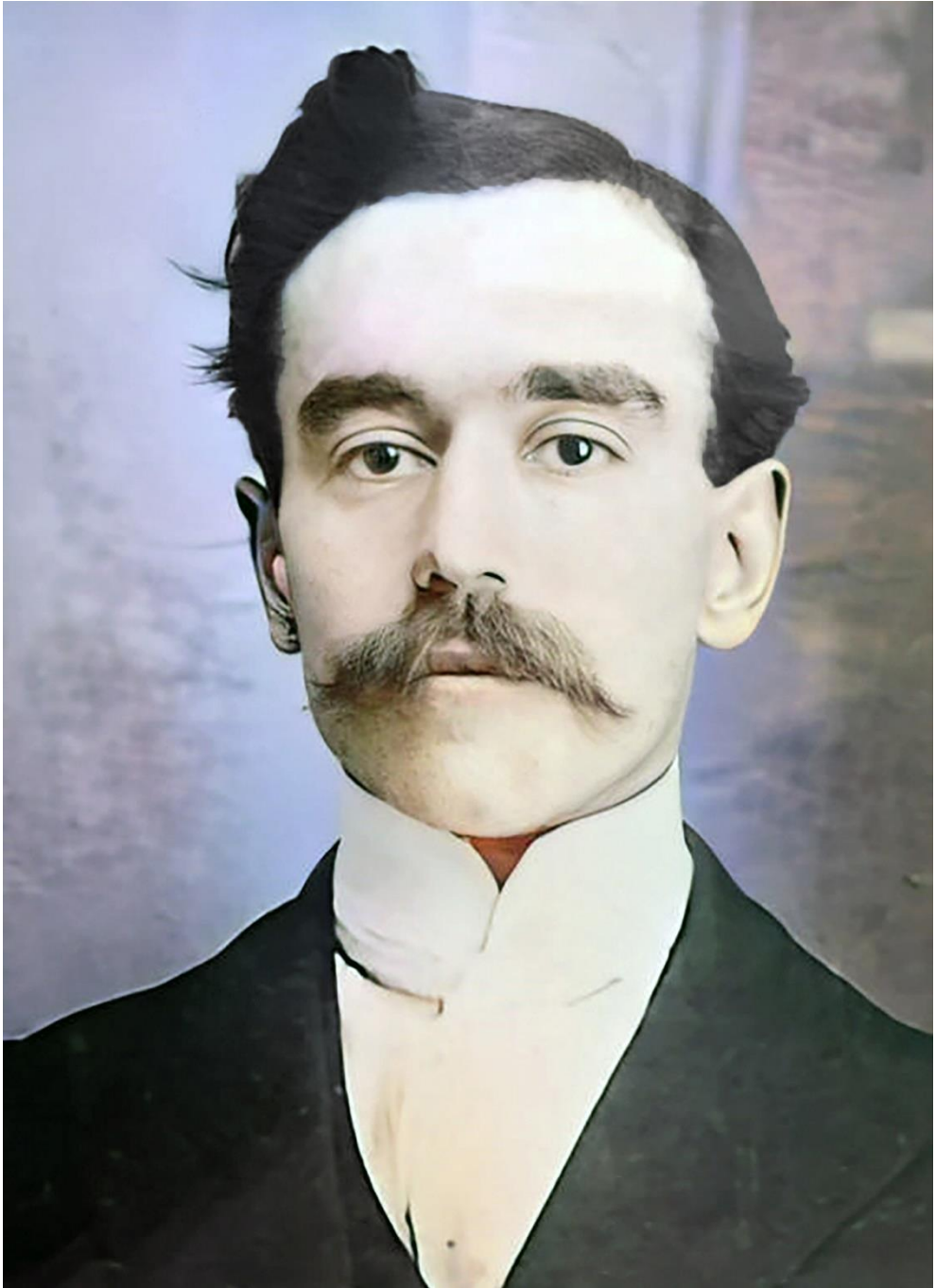




چارلز فاکس پارام (Charles Fox Parham)

در این نوبت از معرفی مشاهیر تاریخ کلیسا به زندگی چارلز فاکس پارام (Charles Fox Parham) خواهیم پرداخت.

او متولد ۴ ژوئن ۱۸۷۳ میلادی - و متوفی در ۲۹ ژانویه ۱۹۲۹ میلادی در آمریکا می‌باشد.

او در ماسکاتین (Muscatine)، آیووا (Iowa) به دنیا آمد و به عنوان واعظ، مبشر، معلم مدرسه کتاب مقدس و یکی از بنیانگذاران جنبش پنطیکاستی مطرح شد. چارلز فاکس پارام یکی از واعظان برجسته آمریکایی بود که پیشینه‌ای در جنبش تقدس و سلیمانی (Wesleyan) و متدیسم داشت. او به همراه ویلیام جی سیمور (William J. Seymour) در شمار چهره‌های مرکزی در شکل‌گیری و گسترش اولیه جنبش پنطیکاست در اوایل قرن بیستم شمرده می‌شود. این جنبش در سال ۱۹۰۱ میلادی در توپیکا (Topeka)، کانزاس (Kansas) آغاز شد و بر ایمان شخصی، زندگی درست و احیای عطایای روح القدس تأکید داشت.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که جریانات مذهبی مرتبط با پیش هزاره‌گرایی و شفا به محبوبیت بالایی دست یافتند چارلز پارام نیز جز یکی از این رهبران متعدد با ادعاهای خاص مذهبی بود. او در دوره‌ای وارد کار شد که جان الکساندر داوی (John Alexander Dowie) خود را ایللیای نبی معرفی کرد و خدمت خود را بر پایه شفا و آموزه‌های پیش هزاره‌گرایانه بنا نهاد و توانست با این ادعاها و جذابیت‌های شخصی، پیروان بسیاری جذب کند و جنبشی گسترده در شهر صهیون (Zion) ایجاد کند. شخص دیگری که چارلز پارام در ارتباط با او قرار گرفت فرانک وستون سندفورد بود (Frank Weston Sandford) که با ادعاهایی مشابه جامعه گرسنه شیلوه را تشکیل داد و چارلز پارام با دیدار از او برخی از تفکرات او را در کلیسای خودش داخل کرد.

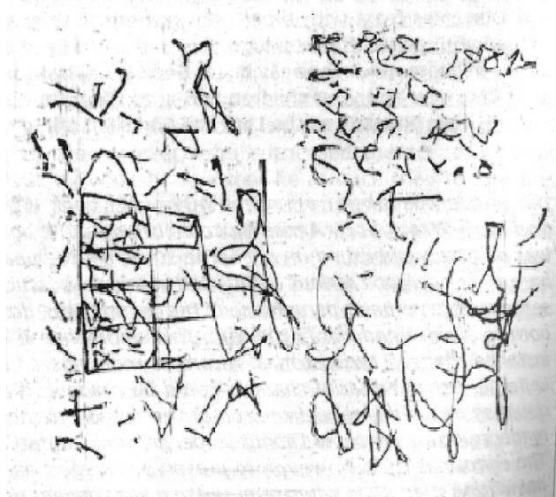
پارام در سال ۱۸۹۵ میلادی از کلیسای متدیست جدا شد زیرا با سلسله مراتب آن مخالف بود و اعتراض داشت که واعظان متدیست از الهام مستقیم برای موعظه استفاده نمی‌کنند. او با رد کردن فرقه‌ها، خدمت انجیلی مستقلی را ایجاد کرد که در پی گسترش آموزه‌های جنبش تقدس بود و مورد استقبال مردم کانزاس قرار گرفت.

پارام در شروع کارش سفری به جامعه فرانک وستون سندفورد (Frank Weston Sandford) در شیلوه انجام داد و حتی در یک جلسه احیای مذهبی با سندفورد شرکت کرد. تحت تأثیر سندفورد او یک جامعه مذهبی مشابه در سال ۱۹۰۰ میلادی به نام مدرسه کتاب مقدس بتل (Bethel) تأسیس کرد. همچنین او پیش‌بینی‌های آخرالزمانی را مطرح کرد و مردم را به آماده‌سازی برای پایان دنیا دعوت نمود. همچنین او پیش‌بینی کرد که دنیا قبل از سال ۱۹۲۵ میلادی به پایان خواهد رسید و مردم باید فوراً نجات پیدا کنند. پارام در گفتگویی با یک خبرنگار از کانزاس درباره سفرش به شیلوه، از سندفورد تمجید کرد.

به دنبال تجربه‌ای عمیق‌تر در روح‌القدس او به شاگردانش مأموریت داد تا شواهد کتاب مقدس درباره تعمیم روح‌القدس را پیدا کنند. هدف اصلی این پژوهش، به گفته پارام، این بود که "شواهد واقعی کتاب مقدس درباره تعمیم را کشف کنیم تا بتوانیم آن را بشناسیم و به دست آوریم، به جای آن که در میان ادعاهای آشفته معلمان امروزی روح‌القدس سردرگم شویم."

همه شاگردان در پایان دوره به این نتیجه رسیدند که شواهد کتاب مقدس برای تعمیم روح‌القدس، صحبت به زبانها است. در شب سال نو، یکی از دانشجویان به نام اگنس اوزمن (Agnes Ozman)، اولین فردی بود که ادعا کرد به زبانها صحبت کرده است. پارام گزارش می‌دهد که اوزمن به زبان چینی صحبت کرد و سه روز قادر به صحبت به

زبان انگلیسی نبود. وقتی او تلاش کرد به زبان انگلیسی بنویسد، به زبان چینی نوشت که نسخه‌هایی از این نوشته‌ها در روزنامه‌های آن زمان چاپ شد.



نمونه دست خط اوزمن

با این حال، بعداً در بررسی نوشته‌های اوزمن، مشخص شد که این ادعاها به چالش کشیده شدند. برخی از محققان، از جمله دوست چینی یکی از محققان، گفت که این نوشته‌ها بیشتر شبیه به خطوطی نامشخص بوده‌اند تا یک پیام واقعی به زبان چینی و در واقع آن نوشته‌ها هیچ مفهومی به زبان چینی ندارند. این موضوع باعث شد که ادعای صحبت به زبانهای واقعی مورد تردید قرار گیرد و شواهد عینی نشان‌دهنده آن باشد که تجربه اوزمن احتمالاً واقعی نبوده است. همچنین آنها ادعاهای دیگری نیز داشتند از جمله این که به هنگام سخن گفتن به زبانها زبانه‌های آتش بر سرشان قرار گرفته است.

پارام بر این باور بود که صحبت به زبانهای واقعی و شناخته شده بخشی اساسی از رسالت مبلغان بود. او معتقد بود که مبلغان نیازی به یادگیری زبانهای خارجی ندارند و روح‌القدس می‌تواند به راحتی از طریق آنها به هر زبانی صحبت کند. او این را راهکاری بهینه برای جلوگیری از هدر رفتن منابع و زمان مبلغان می‌دانست.

بسیاری از پنطیکاستی‌های اولیه این عقیده را جدی گرفتند و واقعاً فکر می‌کردند که می‌توانند بدون یادگیری زبان، به زبانهای خارجی مانند زولو (Zulu)، چینی یا هندی صحبت کنند. با این حال، بسیاری از این مبلغان که به کشورهای خارجی سفر کردند، ناامید شدند و بدون موفقیت به خانه بازگشتند. به گفته لاری مارتین (Larry Martin)، ویراستار کتاب "The Topeka Outpouring of 1901"، بسیاری از این مبلغان صادق اما ناامید، کار خود را بدون موفقیت ترک کردند.

در نهایت، اگر چه پارام و اوزمن و دیگر پنطیکاستی‌های اولیه در ارتباط با عطیه سخن به زبانها ممکن است به دلیل ساده لوحی به برخی تجربیات افراطی دچار شده باشند، اما بسیاری از ادعاهای آنها، به ویژه در مورد صحبت به زبانهای ناشناخته، به چالش کشیده شده و به عنوان تجربیات نادرست یا غیر واقعی تلقی شدند. هر چند پارام به ادعاهای آشفته معلمان امروزی مشکوک بود ولی او باید نسبت به ادعاهای خودش نیز محتاط‌تر می‌بود.

در همان زمان که در گروه پارام سخن گفتن به زبانها رایج شد پارام از این فرصت استفاده کرد و سفری تبلیغاتی را آغاز کرد تا پیروان جدیدی برای ایمان تازه‌اش جذب کند، که شامل صحبت به زبانها بود. در آن زمان، رقابتی میان سه رهبر مذهبی آن زمان شکل گرفت که پارام با مشاهده آنها سعی کرد عقب نماند و جامعه بتل را ارتقا دهد. او با خبر بود که جان الکساندر داوی (John Alexander Dowie) رهبر مطرحی که ادعای شفا دارد و خود را ایلیا می‌خواند برای جذب ایمانداران و سهام آنها برای سپرده گذاری در شهر صهیون (Zion) در تکاپو است.

چارلز پارام حتماً بایست شنیده باشد که حتی فرانک سندفورد نیز که در تقلاً است تا نیروی بیشتری را برای جامعه گرسنه خود در شیلوه جذب کند، ادعای این را دارد که خودش همان ایلیای نبی است. پارام نیز هم همچون سندفورد گرفتار مسایل حقوقی

بود و به پیروی از طریق فرانک سندفورد تصمیم گرفت که مدتی از صحنه دور شود و به جستجوی تابوت عهد در اورشلیم بپردازد. او در سال ۱۹۰۲ میلادی ادعا می‌کرد که با استفاده از خواندن انجیل و پیدا کردن سندی مخفی به زبان عبری توانسته محل تابوت عهد را پیدا کند اما نام کوه را برای دیگران فاش نمی‌کند. با این حال، او هیچگاه به این مأموریت نرفت و مشخص شد که این ادعا تنها یک کلاهبرداری برای جمع‌آوری پول بوده است.

دنیل لانگ (Daniel Long) در این باره به دو مقاله اشاره دارد که این ادعاهای پارام را مستند کرده‌اند.

نخستین مقاله که در تاریخ ۱ فوریه ۱۹۰۲ میلادی در "Democrat and Chronicle" به چاپ رسیده، چنین می‌نویسد: "کشیش پارام، دانش آموخته زبان عبری باستان است و اخیراً به سندی دست یافته که به زبان عبری باستان نگاشته شده و در آن وصف غاری آمده است که تابوت عهد و خیمه توسط (ارمیا) نبی در آن پنهان گردیده‌اند. کشیش پارام اظهار می‌دارد که بر این باور است که به سادگی می‌تواند کوهی را که غار در آن واقع شده است بیابد. وی از توجه و علاقه‌ای که مسیحیان به این طرح از خود نشان داده‌اند، بسیار دلگرم شده است."

در ادامه این گزارش آمده که پارام مدعی می‌شود که سندی باستانی به دست آورده که محل پنهان شدن تابوت عهد را به دقت توصیف کرده است، اما نام کوه را جز برای افراد معتمد خویش فاش نمی‌کند.

دومین مقاله که در ۲۵ اوت ۱۹۰۸ میلادی در Galena Evening Times منتشر شد، چنین گزارش می‌دهد: "چارلز. اف. پارام، که نشانی دائمی وی در تانگناکسی (Tonganoxie) ایالت کانزاس است، نامه گردشی از تولسا (Tulsa)، اوکلاهما

(Oklahoma)، به پیروان خود ارسال کرده و از برنامه‌های خود برای سفری به سرزمین مقدس به منظور جستجوی تابوت عهد خبر داده است. او ادعا می‌کند که با جستجوی دقیق اکنون راهنماها و نقشه‌هایی در اختیار دارد که موقّیّت جستجوی وی را تضمین می‌کند، و تلاش دارد تا برای سفر خویش در ژانویه آینده اعانه جمع‌آوری نماید."

در این جا نیز پارام بار دیگر تلاش می‌کند از طریق ادعاهای خویش درباره یافتن تابوت عهد کمکهای مالی گرد آورد، با این تفاوت که این بار ادعا می‌کند که نقشه‌ها و راهنماهایی برای موقّیّت در جستجویش به دست آورده است. نویسنده متن به افشای تقلّب پارام پرداخته و توضیح می‌دهد که ادعای وی مبنی بر در اختیار داشتن یک نوشته "مخفی" در واقع اقتباسی از کتاب دوم مکابیان است. برای اثبات این مدعا، نویسنده به مقایسه‌ای میان نقل قول پارام و متن کتاب مکابیان پرداخته که با جابجایی چند کلمه او آیات دوم مکابیان ۲: ۴ - ۵ را به خود بسته بود و همین مقایسه نشان داد که ادعای پارام مبتنی بر کتاب مکابیان است و نه بر یک نوشته باستانی و مرموز، چنان که وی ادعا می‌کرد.

افزون بر این، پارام به این ادعا بسنده نکرده و مدعی شد که یافتن تابوت عهد، زمینه ساز بازگشت ثانویه مسیح خواهد بود. او باور داشت که با کشف این اثر مقدس، یهودیان پراکنده به اورشلیم باز گردانده می‌شوند، و این امر به وقوع جنگ آرماگدون و بازگشت مسیح منجر خواهد شد.

در سال ۱۹۰۵ میلادی، که الکساندر داوی دچار سکتۀ مغزی شد و برای بهبودی به مکزیک سفر کرد. در این غیاب، ویلبور جی. وولوا (Wilbur G. Voliva) معاون او، کنترل امور تجاری و مالی داوی را به دست گرفت و او را از این سِمَت برکنار کرد و پارام با تصوّر گرفتن جایگاه او شروع به تبلیغ در شهر صهیون کرد.

پس از این تحولات، چارلز پارام (Charles Parham)، که خود را ایلای سۆم معرفی کرد، وارد عرصه شد. پارام با ادّعای دریافت پیامی آسمانی، به تبلیغ در شهر صهیون پرداخت و تلاش کرد جایگاه رهبری داوی را از آن خود کند. وی اعلام داشت که آموزه‌های داوی را دنبال کرده و از ابتدا به جنبش صهیون علاقه‌مند بوده است. در حالی که ویلبور وولوا برای تثبیت جایگاه رهبری خود می‌کوشید، پارام با پیامهای جدید و تأکید بر مأموریت الهی خود، به جذب پیروان تلاش کرد.

این دوره، نشان دهنده رقابت شدید میان رهبران مذهبی برای کسب نفوذ و قدرت، همراه با وعده‌های مذهبی خارق‌العاده و ادّعاهای پیامبری بود. هر چند بسیاری از این رهبران در آغاز با استقبال روبرو شدند، اما فقدان ساختار کتاب مقدسی و وجود تفکرات خود محور، اغلب به فروپاشی این جنبشها و رهبرانشان انجامید.

از آن جایی که او خود را "ایلای سۆم" معرفی کرد، اخبار Independence Daily Reporter در تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۰۶ میلادی درباره او چنین گزارش داده است: "مدتی پیش پارام بینشی جدید از منبع روحانی خود دریافت کرد و اعلام داشت که او ایلای سۆم است، همان طور که داوی خود را ایلای دۆم معرفی کرده بود."

در آن زمان ویلبور وولوا نیز برای به دست گرفتن رهبری در تکاپو بود اما پارام ادّعا کرد که پیغام آسمانی دارد و می‌تواند مردم صهیون را نجات دهد.

یکی از روزنامه‌ها این گزارش را می‌دهد: "پارام می‌گوید که از زمان آغاز جنبش صهیون به آن علاقه عمیقی داشته و آموزه‌های داوی را دنبال کرده است. او ادّعا می‌کند که دو هفته پیش خداوند در خواب به او ظاهر شده و به او گفته است که وولوا نبی کاذب است و مردم صهیون را به نابودی خواهد کشاند. پارام می‌گوید که ده روز پیش "روح دوباره

در توپیکا به او ظاهر شده و به او فرمان داده که فوراً به صهیون برود و با تأثیرات بد وولوا مقابله کند.» [The Topeka Daily Herald ۲۶ سپتامبر ۱۹۰۶ میلادی]

پارام توانست در مدت زمان کوتاهی (۱۰ روز) ۳۰۰ نفر پیرو جذب کند. او جلساتش را در خانه‌های پیروانش برگزار کرد زیرا وولوا سالنهای بزرگ شهر را اجاره کرده بود تا مانع برگزاری جلسات پارام شود. با این حال، پارام نتوانست به وعده‌هایش عمل کند و تنها چند ماه بعد از ورود به شهر، به دلیل سقوط برج آب بر روی چادر بزرگ جلسه‌اش، از شهر رفت. از این جهت که پارام نسبت به سایر رقبا مدت کمتری با ادعای ایلیا بودن در صحنه بود او را جزء داعیان قهار ندانستند ولی فرانک سندفورد و الکساندر داوی با وجود شکسته‌هایشان همچنان دارای طرفداری به مراتب بیشتر بودند.

همچنین پارام در سال ۱۹۰۶ میلادی از احیای خیابان آزوسا (Azusa) که رهبر آن شاگرد پیشین خودش ویلیام جی سیمور (William J. Seymour) بود دیدن کرد. هر چند پارام بنیانگذار جنبش پنطیکاستی و مبلغ اصلی عقیده سخن گفتن به زبانها، ابتدا سیمور را به رغم محدودیتهای نژادی آن زمان پذیرفت. سیمور به عنوان یک آفریقایی - آمریکایی تحت قوانین جیم کرو (Jim Crow) قادر به نشستن در کلاس نبود، اما با اجازه پارام، در راهروی خارج از کلاس نشست و به درسها گوش داد و در عرض مدت کوتاهی سیمور به لس آنجلس دعوت شد.

با وجود این که سیمور تعالیم اوّلیه صحبت به زبانها را از پارام پذیرفت، بعد از شکل‌گیری جنبش آزوسا استریت اختلافات عمده و جدایی بین این دو نفر پدید آمد. وقتی پارام در ۱۹۰۶ میلادی برای مشاهده جنبش آزوسا به لس آنجلس آمد، از آن چه که در آن جا دید بسیار آشفته و ناامید شد. او جلسات را مملو از هیجانات هیستریک و رفتارهای غیر عادی یافت، مانند غلطیدن افراد بر زمین، فریادهای غیر عادی، و صداهای نامفهوم که به نظر او روحانی نبودند. پارام این رفتارها را به عنوان نشانه‌هایی از افراط‌گرایی

و تمایلات نفسانی و مدیوم‌گرایی توصیف کرد و جنبش آروسا را محکوم کرد و تا پایان عمر خود از آن به عنوان نمونه‌ای فاسد یاد می‌کرد.

باید خاطر نشان کرد که پارام علاوه بر دیدگاه‌های سنتی‌اش در مورد روح‌القدس، دارای عقاید دیگری نیز بود. او باور داشت که کسانی که تعمید روح‌القدس را دریافت کرده و به زبانها صحبت می‌کنند، در بازگشت مسیح مقام ویژه‌ای خواهند داشت و عروس مسیح خواهند بود.

علاوه بر این او نظریه نادرست انگلو اسرائیلیسم (Anglo-Israelism) یا بریتیش اسرائیلیسم (British Israelism) باور داشت، که معتقد بود دو خلقت مجزا وجود دارد و آدم و حوّا از نژاد متفاوتی نسبت به افرادی بوده‌اند که خارج از باغ عدن زندگی می‌کردند. به گفته پارام، اولین نژاد انسانها روح نداشتند و این افراد بدون روح در طوفان نوح نابود شدند. او باور داشت که انگلوساکسون‌ها همان نسل قبایل گم شده اسرائیل هستند و به عنوان قوم برگزیده برای گسترش انجیل انتخاب شده‌اند و همین تفکر او پایه‌گذار عقاید نژادپرستانه در الهیاتش شد. پارام معتقد بود که نژاد انگلوساکسون به حقایق عمیق‌تری از معنویت دسترسی دارد و این دیدگاه نژادی را به تعالیم مذهبی خود افزود.

تناقضات در زندگی پارام نیز مشهود بود. اگر چه او اعتقاد داشت که همیشه اراده خداوند این است که افراد شفا یابند و پزشکان و داروها باید کنار گذاشته شوند، یکی از پسرانش در سن ۱۶ سالگی به دلیل بیماری‌ای که درمان نشد، درگذشت. همچنین، پارام خود در طول زندگی‌اش از بیماریهای مختلفی رنج برد و در برخی مواقع حتی قادر به موعظه یا سفر نبود و از آن جایی که در کودکی به تب روماتیسمی شدید مبتلا شد که باعث آسیب به قلب او و مشکلات سلامتی در طول عمرش شد و به نظر می‌رسد که این بیماری به عضلات قلبش آسیب رسانده و موجب مشکلات قلبی بعدی و مرگ زودرس او شده است.

وضعیت سلامتی او در سال ۱۹۲۸ میلادی، پس از بازگشت از سفر به فلسطین حادث شد. در ژانویه ۱۹۲۹ میلادی، هنگام نمایش اسلایدهای مربوط به سرزمین مقدس در تگزاس، حالش دگرگون شد و در نهایت در ۲۹ ژانویه ۱۹۲۹ میلادی در خانه‌اش در کانزاس درگذشت.

تحقیق، ترجمه و تألیف: زوفا رایان

شما می‌توانید جهت آشنایی بیشتر با مشاهیر تاریخ کلیسا، از وب سایت رسمی کلیسای خداوند عیسی مسیح به نشانی www.persian-ljc.com دیدن فرمایید.

منابع:

Charles Fox Parham. (n.d.). In *Wikipedia*. Retrieved November 10, 2024, from

https://en.wikipedia.org/wiki/Charles_Fox_Parham

The Cidrie. (2011, April 20). Charles F. Parham: Learning from errors in church history. *A Twisted Crown of Thorns*. Retrieved November 10, 2024, from

<https://atwistedcrownofthorns.com/2011/04/20/charles-f-parham-learning-from-errors-in-church-history>

Lazar, S. (2020, January 1). Charles Parham and Agnes Ozman on speaking in tongues and missions. *Grace Evangelical Society*. Retrieved November 10, 2024, from

<https://faithalone.org/blog/charles-parham-on-tongues-and-missions>

Collins, J. (2017, October 26). *Jim Jones and the Malachi 4 prophecy of Elijah*. Alternative Considerations of Jonestown & Peoples Temple

https://jonestown.sdsu.edu/?page_id=70743

Parham, C. (1900–1901). *The latter rain*. Apostolic Archives

<https://www.apostolicarchives.com/articles/article/8801925/173163.htm>

King Ministries. (n.d.). *Charles F. Parham: The Topeka outpouring of 1901 – Pentecostal origin story*. Retrieved November 10, 2024, from

<https://kingministries.com/podcast-episodes/charles-f-parham-the-topeka-outpouring-of-1901-pentecostal-origin-story/>

Data has been sourced from Youtube Clip: YouTube. (n.d.). *Early Pentecostal embarrassments, part 1* [Video]. YouTube. Retrieved November 10, 2024, from

<https://www.youtube.com/watch?v=h3wXEbzcuxM>

Wiget, A. (2022). *Early Pentecostal embarrassments, part 1*. Medium. Retrieved November 10, 2024, from

<https://medium.com/@andreaswiget/early-pentecostal-embarrassments-part-1-4a0516e60914>

Frank Sandford. (2024, November 5). In *Wikipedia*. Retrieved November 19, 2024, from

https://en.wikipedia.org/wiki/Frank_Sandford

Cloud, D. W. (n.d.). *Azusa Street mission*.

<https://www.tribwatch.com/azusa.htm>

The Topeka Daily Herald. (1906, September 26). Retrieved November 10, 2024, from

<https://www.newspapers.com/newspage/387615499>